

زیبائی ظاهر و عمق معنی

چگونه قرآن حقایق مهمی را در یک مثال ساده و زیبا فاش میکند؟

بنا بر مطالعه کوتاه در آثار ادبا و نویسندگان بزرگ نشان میدهد که آنها بدودسته متمایز تقسیم میشوند:

جمعی بیشتر زیبایی الفاظ اهمیت داده و زیاد در بند عمق معنی نیستند، همگی عدد دیگری الفاظ را بجزیی نمیگیرند و تمام همت و نبوغ خود را متوجه عمق معانی میسازند.

روی همین جهت نویسندگان تاریخ ادبیات ما، آثار شعری بزرگ گذشته را (از بکفایر) به دو سبک مختلف: سبک عراقی و سبک هندی تقسیم نموده اند. بزرگانی که سبک اول شعر گفته اند ذوق و استعداد خویش را بیشتر در زیبایی الفاظ بکار برده اند در حالی که طرفداران سبک دوم به نازک کاریها و دقائق معانی پرداخته اند.

البته در میان سخن سرايان و نویسندگان دسته سوم نیز پیدا میشوند که بهر دو قسمت اهمیت میدهند و بتوانند در دورا خوب و با ارزش از آب در آورند؛ اما بسیار محدودند و انگشت شمار اند. دلیل آنهم روشن است: الفاظ و جمله بندیهای زیبا و دل انگیز همیشه با معانی مورد نظر تطبیق نمیکند و چه بسا الفاظ و عباراتی که قالب واقعی معانی مورد نظر هستند و تمام ریزد - کارهای آنرا در وقتاً متعکس میسازند چندان جالب و زیبا نیستند.

لذا آنها بلکه بیشتر به عمق معنی توجه دارند بر سر دوراهی زیبائی لفظ و زیبائی معنی، ناچار نداد الفاظ جاب و جذاب صرف نظر کرده و بسوی الفاظ و عباراتی متوجه شوند که برای اداه مقصود آنها رسانتر میباشد؛ اما کسانیکه در فکر سخن پردازی و آرایش الفاظ و جمله بندیها هستند بسیاری اوقات مجبورند از الفاظی که قالب مقصود آنهاست بخاطر حفظ سجع یا قافیها و یا لفظ خاصی چشم پوشند.

بنا بر این یک نوع فوق العاده میخواهد که کسی بتواند این دو را با هم در یک جا جمع نماید.

ولی قرآن این امتیاز بزرگ را به حد اکمل و در حد اعجاز دارد، الفاظ در نهایت

عذوبت و شیرینی، حلاوت بندهای در نهایت ظرافت و زیبایی، کلمات آهنگ دار و موزون، ولی با اینکه کاملاً قابل معانی با تمام ریزه کاریها و دقتهاش - و این خود دیگر از مظاهر «سماوات» این کتاب بزرگ آسمانی است که آنگاه معانی را با چنین الفاظی جمع کرده .
برای بی بردن این حقیقت راهی جز مطالعه و دقت فراوان در آیات مختلف قرآن نیست و هر قدر بیشتر مطالعه و بررسی کنیم این را آشکارتر میگرد.

گرچه در سی آیات مختلف از این نظر از عهد بنی سلسله مقالات بیرون است ولی چه بهتر که در اینجا بعضی از موارد را به عنوان نمونه مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا کلیدی برای این طرز مطالعه باشد در لای بحثهای آتی. متن خواست خدا سونتهای دیگری مطرح خواهد شد .

* منظره های از مبارزه حق و باطل

در قرآن مجید (سوره محمد - آیه ۷۸) برای مجسم ساختن منظره مبارزه حق و باطل، و سرانجام این مبارزه آمده است و تقریباً دائمی مثالهایی زده شده است .

انزل من السماء ماء فسال اودية بقدرها فاحتمل السيل زبدا رابيا ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية او متاع زبد مثله كذلك يضرب الله الحق والباطل فاما انزل بذي قين جفا واماما يفتع الناس فيمكث في الارض

: «آبی از آسمان نازل نمود و از هر سرزمینی رودهایی با اندازه گنجایش آن برای افتاد (رودها بهم پیوستند و سیلابی تشکیل دادند) سیلاب کفهای بر روی خود حمل کرد (نه تنها بر روی سیلاب کف ظاهر میگردد بلکه) در روی طرانی که برای تهیه زینت یا وسائل زندگی زیر فشار آتش ذوب میشود اینگونه کفها آشکار میگردد . این چنین خداوند حق و باطل را مجسم میسازد ، اما کف بزودی از بین میرود ولی آن چه برده سود میسازد در زمین باقی میماند .

در همین یک مثال کوتاه و پر معنی که با الفاظ عبارات موزون داشته نکات بسیار جالبی نهفته است که ذیلا بستمی از آن اشاره میگردد :

۱ - طرفداران باطل همیشه مانند کفهای روی آب بر میآیند هستند ؛ ظاهری فریبنده و درونی تهی و خالی دارند ؛ و ضمناً همیشه متکبر و خود پسند و بلندی طلبند (زبدا رابیا) در حالی که طرفداران حق بکس آنها متواضع ؛ بردبار و مرد عمل هستند نه سخن .

۲ - باطل بی دوام ، بی فایده و بی خاصیت است ولی حق منبع انواع برکتهاست (کفهای روی آب ندرت تشنگی میکنند و نه گل و گیاهی میروانند ولی آب همه جا رزق حیات است) .

۳ - باطل ممکن است بشکلهای گوناگون و در هر لباس و هر سخنانی خود نمائی کند ، همانطور که کفها بر روی آب و قلزات ذوب شده هر دو آشکار می گردند . (و مما یوقدون . . .)

۴ - هر کسی با اندازه استعداد و وسعت روح خود میتواند از مواهب این جهان استفاده کند ، همانطور که هر زمینی با اندازه وسعت خود قطرات باران را بخود می پذیرد ، همچنین آرزو و جود هر کسی به مقدار ظرفیت و جود اوست چنانکه رودهایی که از هر زمینی جریان مییابند چنین است (فسال اودية بقدرها) .

۵ - مبارزه حق و باطل يك مبارزه دائمی و همیشگی است و سرانجام این مبارزه در همه جای کسبان یعنی بر روی درختان حق میباشد ، همانطور که منظره سیلاب و کف در همه جا چشم میخورد .

۶ - با وجود این هر موجودی در سایه سرد رسانیدن با اجتماع و مردم است و بدون آن دوام ممکن نیست . (واماما یفتع الناس فیمکث فی الارض) .

۷ - حتی باطل در مقام خود مدعیون حق است و بدون استفاده از حیثیت حق لفظهای

دوام بخوادند داشت ؛ همانطور که کفها راهمیشه و آب بر روی خود نگاه میدارد (فاحتمل السيل . . .) یعنی اگر آبی نبوده هرگز کف نمیتوانست بحیات خود ادامه دهد ؛ همینطور اگر حق نبود باطل هم فروغی نداشت . فی المثل اگر سخن راست در حمان نبود هیچکس دروغ را باور نمیکرد ، و اگر افراد در درنگاره نبودند کسی تحت تأثیر افراد خائن واقع نمیشد پس همین جولان و فروغ کاذب باطل مدیون بهره برداری از فروغ حق است . . «آن دروغ از راست میگیرد فروغ» !

۸ - باطل همیشه دنبال بازار آشفته میگردد ، همانطور که کفها معمولاً هنگامی روی آب آشکار میشوند که سیلاب از سراسر آبیبی تند کوهها باهیجان و شور به پائین میریزد ، اما همینکه در میان لکه صاف و همواری قرار گرفت و وضع آرام شد کفها اندر یکجا محو میشوند و آب صاف باقی میماند . . .

این بودیک نمونه از عبارات دافشین و معانی عمیق قرآن .

اینجاست که پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره این کتاب بزرگ آسمانی میفرماید :

ظاهره انیق و باطنه عمیق ؛ ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است . .